

The Influence of French on Persian

Mojtaba Rahmati¹

Director, French Department, Higher Education Complex of Language, Literature and Culturology

Alireza Nouri

Masters in Islamic Philosophy. Al-Mustafa International University

Received: 2022/05/24 | Accepted: 2022/06/10

Abstract

France was the first European country to establish scientific and cultural relations with Iran during the Qajar period till the mid-Pahlavi period. Through these exchanges, many French scientific, artistic and cultural terms entered Persian. There are also some words that are known and used with French pronunciation among Iranians. Today, many of these words remain in Persian and are not considered foreign at all. Some of these words have been equated by the scholars and distinguished linguists in the Farsi Academy. However, the names of objects and inventions that entered Iran under their own titles cannot be changed and are considered a part of the Persian language corpse. In this article, we will analyze these words and categorize them so that readers can understand the great depth of cultural and scientific relations between the two countries of Iran and France and the extent of the influence of this language on Persian.

Key words: loanwords, French, Persian, adopted words, French pronunciation.

1. E-mail: ???

تأثیر زبان فرانسوی بر زبان فارسی

مجتبی رحمتی

مدیرگروه زبان فرانسه، مجتمع زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی

علیرضا نوری^۱

کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

چکیده

کشور فرانسه اولین کشور اروپایی بود که در زمان قاجار تا اواسط پهلوی با ایران ارتباطات علمی و فرهنگی برقرار کرد. از خلال این مبادلات بسیاری از اصطلاحات علمی و هنری و فرهنگی از این زبان به زبان فارسی راه یافت. برخی از کلمات هم با تلفظ فرانسوی در میان ایرانیان شناخته و استعمال می شوند. امروزه بخش زیادی از این واژه ها در زبان فارسی باقی مانده اند و اصلاً بیگانه محسوب نمی شوند. با تلاش زبان شناسان و ادیبان فارسی در فرهنگستان برخی از این کلمات معادل سازی شده اند. اما اسامی اشیاء و اختراعاتی که با اسم خودشان وارد ایران شده اند غیر قابل حذف از زبان فارسی هستند و جزئی از بدنه زبان فارسی به شمار می روند.

واژگان کلیدی

زبان فرانسه، زبان فارسی، کلمات دخیل، تلفظ فرانسوی.

مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم و جالب در زمینه زبان و فرهنگ تأثیر و تأثر زبانها از یکدیگر است. هیچ زبانی در دنیا نیست که از زبانهای دیگر قرض نگرفته باشد و کلمات دخیل در آن نباشد. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنا نیست و بسیاری کلمات با ریشه‌ی بیگانه در این زبان یافت می‌شود.

پس از فتح ایران توسط اعراب مسلمان کلمات عربی وارد زبان فارسی شد. امروزه این کلمات بخش لاینفک زبان فارسی شده است و معادلهای فارسی آن اصلاً به فراموشی سپرده شده است. از قرن هفتم به بعد با هجوم مغولان نیز تعداد زیادی از کلمات ترکی به زبان فارسی راه یافت.

از قرن دهم نیز با برقراری روابط میان ایران و فرانسه هجوم زیادی از کلمات فرانسوی به سوی زبان فارسی ایران سرازیر شد. در آن زمان بدلیل برتری فرانسه از جهات نظامی و علمی و استعماری نسبت به انگلستان I ابتدا فرانسویان بودند که با ایران رابطه برقرار کردند. در سالهای بعد در دوره قاجار هم بدلیل اینکه ایران همواره با انگلیس و روسیه در تضاد و جنگ بود این رابطه با فرانسه ادامه پیدا کرد و مبادلات علمی و فرهنگی با این کشور تقویت شد. تنها از اواسط دوره پهلوی بود که ایران به سمت انگلستان و سپس آمریکا متمایل شد و قدرت برتر هم به این دو کشور انتقال پیدا کرد. از این زمان به بعد بود که روند انتقال کلمات فرانسوی به فارسی جای خود را به واژه‌های انگلیسی داد.

در این مقاله به بررسی این کلمات و دسته‌بندی آنها خواهیم پرداخت تا خوانندگان به عمق زیاد مراودات فرهنگی و علمی ایران و فرانسه و میزان تأثیرگذاری این زبان بر زبان فارسی پی ببرند.



ابتدای ورود زبان فرانسه به ایران

تاریخچه روابط ایران و فرانسه و به تبع، ورود کلمات از زبان فرانسه به فارسی به دوره صفویه برمی گردد؛ «یعنی زمانی که رابطه ایران و اروپا از زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۲ ق) آغاز شد و در دوره جانشینان او ادامه پیدا کرد» در این باب، داود نوابی (۱۳۸۸: ۲۰) می نویسد:

«در زمان شاه عباس کشیشی فرانسوی به نام پر ژوست (Père Juste) وارد ایران شد و به حضور شاه رسید و از ابهت پادشاه فرانسه برای او تعریف کرد به طوری که شاه تمایل پیدا کرد تا با همتای فرانسوی خود روابطی برقرار کند، لذا نامه ای برای هانری چهارم پادشاه فرانسه نوشت و به کشیش سپرد اما از سرنوشت نامه اطلاعی در دست نیست چون موقعی که کشیش به کشورش برگشت هانری چهارم به قتل رسیده بود».

«غیر از مبلغان مذهبی، سفرا، ایلچیان و جواهر فروشان و محققان» نیز به ایران رفت و آمد داشتند (زمردیان، ۱۳۷۳: ۸)؛ پس شروع تبادل بین دو زبان به دوره صفویه برمی گردد.

در دوره قاجار، روابط بین دو کشور ایران و فرانسه صورت جدی تری به خود گرفت. عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه که مردی دوراندیش بود و دغدغه فرهنگی داشت، درصدد برآمد تا از لحاظ فرهنگی تغییراتی در دربار ایجاد کند؛ لذا، معلمان اروپایی را برای تعلیم درباریان به کار گرفت و سپس، عده ای را برای تحصیل به اروپا اعزام کرد. از جمله کارهای مهم او تأسیس اولین چاپخانه در تبریز بود. دانشجویان پس از بازگشت به ایران، به درخواست عباس میرزا کتب تاریخی اروپایی را به فارسی برمی گرداندند؛ هدف عباس میرزا از این کار این بود که درباریان با اطلاع از سرنوشت دربارهای اروپایی، رفتار دیگری پیشه کنند (نوابی، ۱۳۸۸: ۳۵). اقدامات عباس میرزا راه را برای تأسیس مدرسه دارالفنون توسط امیرکبیر هموار کرد. در دارالفنون نیز زبان فرانسه زبان اصلی و رایج بود و کتاب های علمی بسیاری از این



زبان به فارسی ترجمه شد و دانشجویان بسیاری نیز از این مدرسه عازم فرانسه شدند. این دانشجویان پس از بازگشت، مشغول به تدریس در دارالفنون شدند و پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، جزء اولین استادان دانشگاه در ایران بودند. پس، نسل اول مترجمان و استادان دانشگاه در ایران اکثراً فرانسه‌زبان بوده‌اند و در تألیفات و ترجمه‌هایشان از واژه‌های فرانسه استفاده می‌کردند. در واقع واژه‌های فرانسوی در زمینه‌های مختلف علمی، فنی، هنری، سیاسی، اجتماعی و حقوقی ابتدا وارد زبان طبقه تحصیل کرده ایرانی شدند، سپس با توسعه مدارس، پیدایش دانشگاه و افزایش جمعیت باسواد به کل جامعه سرایت کردند و رفته‌رفته در زبان فارسی رواج یافتند.

شمار این وام‌واژه‌ها در فرهنگ دهخدا نزدیک به ۸۲۰، فرهنگ معین ۱۷۰۰، فرهنگ عمید ۱۶۰۰ و فرهنگ مشیری ۱۲۰۰ واژه است. پژوهشی که در سال ۱۹۸۲ انجام گرفته است تعداد وام‌واژه‌های فرانسوی در فارسی را بین سه تا چهار هزار برآورد می‌کند.^۱

البته به یاری فرهنگستان اول، برای بسیاری از واژه‌های بیگانه معادل‌گزینی شد؛ بااین حال، با مطالعه کتب و نشریات آن دوره درمی‌یابیم که کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات فرانسه در نثر نویسندگان و مترجمان آن زمان امری عادی بوده است.

انواع کلمات فرانسه در زبان فارسی

- این کلمات می‌تواند در ۵ نوع دسته‌بندی شود که عبارت‌اند از:
- واژه‌های فرانسوی که در زبان فارسی معنی خود را حفظ کرده‌اند.
 - واژه‌هایی که در زبان فرانسه چند معنی دارند، اما یک یا دو معنی آن‌ها وارد زبان فارسی شده است.

۱. دانشنامه ایرانیکا، مدخل کلمات فرانسوی در زبان فارسی.

- واژه‌های فرانسوی که معنی فارسی آن‌ها با معنی و مفهوم اصلی شان مغایر است.

- واژه‌هایی که با افزایش و کاهش یک هجا یا حذف و اضافه یک کلمه، از/به واژه فرانسوی ساخته شده‌اند.

- واژه‌های مرکبی که از یک واژه فرانسوی و واژه‌ای دیگر ساخته شده‌اند. (نواب‌زاده شفیعی، ۱۳۹۳: ۱۱۳)

واژه‌های فرانسوی که در زبان فارسی معنی خود را حفظ کرده‌اند:

کلمات بسیاری وجود دارند که از زبان فرانسه به فارسی راه یافته‌اند و نهادینه شده باقی مانده‌اند. یکی از دلایلی که واژه‌های بیگانه در زبانی نهادینه می‌شوند، این است که مدت زیادی از ورود و استفاده آن‌ها در زبان مقصد می‌گذرد. «بدیهی است که سرعت ورود مفاهیم جدید در هر زبان باید با سرعت واژه‌سازی و برابریابی هماهنگ باشد» (مشیری، ۱۳۷۱: ده) این کلمات امروزه جزء لاینفک زبان فارسی شده‌اند، طوری که نه گوینده و نه شنونده احساس نمی‌کند که این واژه‌ها بیگانه بوده و از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است.

مانند کلمات شانس، پودر، سیمان، موزاییک، آسفالت، هتل، میلیون، میلیارد، بلوار، آنتن، اتوبوس، باز، بیسکویت، بلوز، بمب، سینما، کلینیک، کنفرانس، کنگره، کنسرو، دوش، ادکلن... بیشتر این کلمات اسامی اشیائی هستند که از غرب وارد ایران شده‌اند و اسم خود را نیز با خودشان به همراه آورده‌اند.

در بین این کلمات می‌توان به اسامی برخی کشورها اشاره کرد که با نام فرانسوی در میان ایرانیان اشتهار دارند در حالیکه همین کشورها در میان دیگر فارسی‌زبانان مثل افغانستانی‌ها با نام انگلیسی شناخته می‌شوند. به عنوان مثال آلمان و سوئد در افغانستان با نام جرمنی و سوئدن شناخته می‌شوند. از همین قبیل است اسامی ماه‌های میلادی که در ایران با تلفظ فرانسوی و در افغانستان با نام‌ها و تلفظ انگلیسی شناخته می‌شوند. به عنوان مثال ماه اوت در افغانستان با نام آگوست یاد می‌شود و



ژوئیه را با نام ژولای می‌شناسند.

جالب اینجاست که در میان اسامی مشترک بین فرانسه و انگلیسی در ایران این نام‌ها با تلفظ فرانسوی استعمال می‌شود. مثلاً نقطه در انگلیسی پوینت و در فرانسه پوئن تلفظ می‌شود. دانمارک تلفظ فرانسوی و دِنمارک تلفظ انگلیسی می‌باشد. یا ماه ششم میلادی در انگلیسی جون و در فرانسه ژوئن تلفظ تلفظ می‌گردد.

البته روابط ایران با غرب در دوره پهلوی به سمت انگلستان و آمریکا چرخش کرد و در این دوره‌ی اخیر هر اختراعی که در غرب صورت گرفته با نام انگلیسی آن وارد فارسی شده است و نیز تلفظ انگلیسی خودش را در فارسی حفظ کرده است در حالیکه در فرانسه به شکل دیگری تلفظ می‌شود. مثلاً موبایل (تلفن همراه) در فرانسه موبیل تلفظ می‌شود. یا شارژر تلفظ انگلیسی شارژور است.

برخی کلمات خاص یا کلمات علمی

همان‌گونه که اشاره شد علوم جدید همراه با اصطلاحات فرانسوی وارد کشور ایران شد. طبقه‌ی تحصیل کرده ایرانی که به فرانسه رفته بودند، وقتی به کشور باز می‌گشتند و شروع به تدریس علوم می‌کردند که فراگرفته بودند این اصطلاحات را به کار می‌بردند و چون نهادی نبود که جایگزینی برای این واژه‌ها پیشنهاد کند این کلمات در فرهنگ کشور ایران باقی ماند و امروزه استعمال می‌شود. این کلمات شامل اسامی اشیاء، برخی کشورها، کلمات علمی، ماه‌های سال میلادی می‌شود که در جدول زیر به برخی از آنها اشاره شده است؛ اگرچه برخی از این کلمات امروزه دارای معادل فارسی پیشنهاد شده از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌باشد ولی هنوز استعمال اصل کلمه فرانسوی در بین فارسی‌زبانان ایران رواج بیشتری دارد.





فارسی	Français
آکولاد	accolade
آلمان	Allemagne
آلرژی	allergie
آمپول	ampoule
آناناس	ananas
آنتن	antenne
اوت	août
آفت	aphte
اتوبوس	autobus
اتریش	Autriche
آوریل	avril
بانداز	bandage
بانک	banque
باز	base
بیسکویت	biscuit
بلوز	blouse
بمب	bombe
بلوار	boulevard
بورس	bourse
برانکارد	brancard
شاسی	châssis
سیمان	ciment
سینما	cinéma
سیرک	cirque

فارسی	Français
کلینیک	clinique
کمیته	comité
کماندو	commando
کمپوت	compote
کنفرانس	conférence
کنگره	congrès
کنسرو	conserved
کتلت	côtelette
کوپه	coupé
کوپن	coupon
دکوراسیون	décoration
دز	dose
دوش	douche
دوبله	doublé
دوجین	douzaine
ادکلن	eau de Cologne
آنکادر کردن	encadrer
اکالیپتوس	eucalyptus
فابریک	fabrique
فیلم	film
فلاسک	flasque
فلوت	flûte
گاراژ	garage





فارسی	Français
ژرژت	georgette
ژست	geste
گیومه	guillemet
هالتر	haltère
ایده آل	idéal
ژاپن	Japon
ژاکت	jaquette
ژتن	jeton
ژوکر	joker
لیست	liste
لژ	loge
لواستر	lustre
مانور	manœuvre
مانتو	manteau
مارس	mars
مدال	médaille
مبل	meuble
میلیارد	milliard
مین	mine (arme)
مد	mode
موزاییک	mosaïque
موتور	moteur
موزه	musée
موزیک	musique

فارسی	Français
نمره	nombre
املت	omelette
اپوزیسیون	opposition
ارکستر	orchestre
پارازیت	parasite
پرانتز	parenthèse
پاستیل	pastille
پدال	pédale
پانسیون	pension
پرمنگنات	permanganate
پیستون	piston
پلاستیک	plastique
پوئن	point (score)
رستوران	restaurant
ریمل	Rimmel
رمان	roman
روبان	ruban
سالن	salon
سوسیسی	saucisse
سشوار	séchoir
سپتامبر	septembre
سیلو	silo
صهیونیسم	sionisme



فارسی	Français
استاندارد	standard
سوژه	sujet
سنگوپ	syncope
ستتر	synthèse
سیستم	système
تابلو	tableau
تمبر	timbre
تیراژ	tirage
خط تیره	tiret

کلمات در حال جایگزین شدن

کلمات فرانسوی بسیاری در فارسی جایگزین شده‌اند و علیرغم اینکه هنوز استعمال می‌شوند کلمات معادل فارسی آنها هم توسط بسیاری استعمال می‌شود و کم و بیش واژه‌های فرانسوی می‌رود که فراموش شود.

بسیاری از کلمات در علوم انسانی امروزه جایگزینی فارسی یافته‌اند که البته عادت کردن فارسی زبانان به استعمال این واژه‌ها نیاز به زمان بیشتری دارد. به عنوان مثال کلمات زیر معادلهایی دارند که هنوز استعمال فرانسوی آنها غلبه دارد.

در برخی موارد این تلاش‌ها ناموفق بوده و اهل زبان حاضر به استعمال معادل آن نیستند.

فارسی	Français
دیوان سالاری	بروکراسی
انسان سالاری	اومانیسیم
جغرافیای سیاسی	ژئوپولیتیک



فارسی	Français
راهبرد	استراتژی
کثرت گرایی	پلورالیسم
جامعه گرایی	سوسیالیسم
سرمایه داری	کاپیتالیسم
اشرافی گری	بورژوازی
گذرنامه	پاسپورت
فناوری	تکنولوژی
حساسیت	آلرژی
ورم چرکی	آبسه
سازمان	ارگان
ورزشگاه	استادیوم
تجزیه و تحلیل	آنالیز
دورافتاده	ایزوله
چاخان	بلف
بالگرد	هلی-کوپتر
درازآویز	کراوات

از میان این کلمات برخی کلمات است که استعمال فرانسوی آن رو به زوال است و برخی اصلاً امروزه استعمال نمی‌شود. البته عدم استعمال این گروه از کلمات، برخی به دلیل وجود معادل فارسی آن است و برخی بدلیل اینکه این اشیا امروزه دیگر اصلاً نیستند تا مورد مکالمه قرار گیرند.

از میان کلمات زیر واژه‌هایی که به رنگ قرمز هستند دیگر استعمال نمی‌شوند یا به ندرت استعمال می‌شوند.

معادل فارسی	املاء فارسی	فرانسوی
ضرب الاجل	اولتیماتوم	ultimatum
حمل و نقل	ترانزیت	transit
اشتراک	آبونمان	parlement
آونگ	پاندول	pendule
مردود	رفوزه	refusé
همه پرسی	رفراندوم	référendum
صحنه	سن	scène
فیلمنامه	سناریو	scénario
رسوایی	اسکاندل	scandale
سلسله	سری	série
پایان نامه	تز	thèse
نظریه	تئوری	théorie
اتحادیه	سندیکا	syndicat
خدمت	سرویس	service
نماد	سمبول	symbole
بایگانی	آرشیو	archive
هنرمند	آر티ست	artiste
خودرو	اتوموبیل	automobile
راننده	شوفور	chauffeur
بخاری	شופاژ	chauffage
نامزد	کاندیدا	candidat
دستورالعمل	بروشور	brochure

واژه فرانسوی عام واژه فارسی خاص

در هر زبان، اکثر واژه‌ها دارای چند معنی هستند. به هنگام وام‌گیری واژه‌ها، معمولاً یک یا دو معنی آن به زبان مقصد وارد می‌شوند. میه (۱۹۸۲: ۲۵۴) عقیده دارد که «گروه‌های خاص» واژه‌ها را برای کاربرد درون‌گروهی و استفاده در حوزه‌ای خاص، از زبانی دیگر وام می‌گیرند؛ «با دیدن هر کلمه درمی‌یابیم کدام

گروه مثلاً نظامیان، بازرگانان یا کشیشان آن را قرض گرفته‌اند». به همین دلیل، در میان وام‌واژه‌های فرانسه کلماتی هستند که از معانی متعدد آن‌ها، تنها یک یا دو مورد توسط «گروه‌های خاص»، بنا به نیازشان، قرض گرفته شده‌اند و فارسی‌زبانان با بقیه معانی آن کلمه فرانسه بیگانه‌اند. مثال‌های زیر این گفته را روشن می‌نماید:

معنی منتخب در فارسی	معانی مختلف	Français
ترکیبات شیمیایی اسیدی در مقابل «باز: base»	۱. مزه ترش؛ ۲. اسید (ماده شیمیایی)؛ ۳. ناخوشایند، ناراحت کننده	Acide
کارگاه هنرمند و عکاس	۱. کارگاه هنرمند (نقاش، عکاس، پیکرتراش)؛ ۲. کارگاه صنعتگر؛ ۳. کار گروهی	Atelier
انبار اجناس و غلات و مخزن	۱. چیزی را در محل امن گذاشتن، مانند گذاشتن چک به حساب بانکی؛ ۲. گارانتی، پوشش؛ ۳. انبار؛ ۴. ذرات معلق در آب، جرم، رسوب؛ ۵. پارکینگ اتوبوس، تراموا؛ ۶. بازداشتگاه	Dépôt
هروئین (ماده مخدر)	۱. زن قهرمان؛ ۲. شخصیت اصلی (زن) در کتاب یا نقش اول فیلم؛ ۳. هروئین (ماده مخدر)	Héroïne
نوار زینتی در یقه مردان	۱. پروانه؛ ۲. گره پاپیون (برای یقه پیراهن مردانه و روبان)؛ ۳. شنای پروانه	Papillon
مرکز خرید	۱. عبور، گذر (از محلی به محل دیگر یا از مرحله‌ای به مرحله دیگر)؛ ۲. راه، محل عبور؛ ۳. تغییر؛ ۴. گالری؛ ۵. عبوری، گذرا، گذر موقت؛ ۶. در رنگ نهادن پارچه و پوست؛ ۷. قطعه	Passage
نقش (تئاتر و سینما)	۱. نقش (تئاتر و سینما)؛ ۲. سهم،	Rôle



	وظیفه فرد در جامعه؛ ۳. مأموریت	
Sac	۱. کیسه؛ ۲. کیسه خرید در فروشگاه؛ ۳. کیف دستی زنانه؛ ۴. ساک سفر؛ ۵. مدارک مربوط به دادرسی	ساک سفر
Virage	۱. خط عوض کردن ناگهانی اتومبیل؛ ۲. پیچ جاده؛ ۳. {معنی مجازی} تغییر کلی مواضع سیاسی فرد، تغییر رفتار، تغییر خلق و خو؛ ۴. در شیمی به معنی تغییر رنگ است	خط عوض کردن ناگهانی اتومبیل
Visite	۱. ملاقات؛ ۲. بازدید؛ ۳. بازرسی؛ ۴. معاینه پزشکی	معاینه پزشکی

واژه فرانسوی و واژه فارسی متباین و مغایر

گاه پس از وام گیری، واژه در زبان مقصد تحول معنایی می یابد؛ یعنی معنی اصلی کلمه دستخوش تغییر می شود. به این ترتیب، بعضی واژه های فرانسوی در فارسی کاربردی غیر از معنی اصلی خود دارند. این واژه ها در زبان ما معنی اولیه خود را کم و بیش از دست داده اند و مفهوم دیگری یافته اند. در این زمینه، میه (۱۹۸۲: ۲۵۵) در کتاب خود، زبان شناسی تاریخی و زبان شناسی عمومی، می نویسد:

«اگر زبان عامه برای نامیدن یک مفهوم خاص، واژه ای را از زبان "گروهی خاص" قرض کند، معنی آن واژه در زبان عامه مردم و زبان آن گروه یکسان خواهد بود. اما اگر واژه ای از زبان "گروهی خاص" به زبان عامه مردم رخنه کند و به طور متداول از آن استفاده نمایند، قطعاً تغییرات معنایی به دنبال خواهند داشت».

میه (همان) ادامه می دهد: «یک واژه در بین افراد یک "گروه خاص" معنایی مشخص و دقیق دارد اما اگر واژه از این گروه خارج شود، بلافاصله معنی و مفهوم صحیح خود را از دست می دهد و در آن ابهام پدید می آید». مثال های زیر منظور میه را مشخص می کنند:



معنای کلمه در فارسی	معانی مختلف	Français
مغازهای نه‌چندان بزرگ است که در آن کفش و لباس‌های خارجی شیک، تک و معمولاً گران فروخته می‌شود	۱. مغازه، دکان؛ ۲. محل کار؛ ۳. جعبه‌ای دارای سوراخ که ماهیگیران ماهی‌های زنده را در آن می‌گذارند و در آب می‌اندازند. (مغازهی معمولی)	boutique
شال سه‌گوش	۱. شال‌گردن؛ ۲. نوار پهنی که شهرداران و نمایندگان فرانسه از شانه‌ی راست به سمت چپ کمر گره می‌زنند؛ ۳. نواری که با آن دست گچ گرفته به گردن آویزان می‌شود.	écharpe
رودربایستی (موقعیتی که چاره‌ای جز پذیرش آن نداریم)	۱. کوچه‌ی بن‌بست؛ ۲. موقعیتی که نتیجه‌ی مطلوبی ندارد؛ ۳. (در امور مالی) ورشکستگی	impasse
محلی برای طراحی و دوخت لباس‌های شیک و گران	۱. خانه؛ ۲. خانواده؛ ۳. شرکت تجاری	maison
سالاد الویه	۱. درخت زیتون؛ ۲. چوب درخت زیتون	olivier
شماره‌خانه و اتومبیل	۱. ورقه، صفحه؛ ۲. خوراکی تخت، مانند شکلات یا کره؛ ۳. ورقه‌ای سخت برای محافظت، درپوش؛ ۴. صفحه‌ی اجاق برقی؛ ۵. الکترودهای باتری اتومبیل؛ ۶. تابلوی مطب پزشکان، تابلوی خیابان؛ ۷. صفحه‌های زمین که حرکت آن‌ها باعث زمین‌لرزه می‌شود.	plaque
سوءقصد به یک شخص و کشتن او	۱. ترس، وحشت؛ ۲. ترس عمومی در جامعه؛ ۳. شخص یا فردی که ایجاد وحشت می‌کند.	terreur
آمپول جهت تزریقات	لامپ	ampoule



ورود واژه فرانسوی به زبان فارسی با اندکی تغییر

در میان واژه‌هایی که از زبان فرانسه به فارسی راه یافته‌اند، با واژه‌هایی روبرو می‌شویم که از لحاظ معنی با واژه فرانسه برابرند، اما در فارسی قسمتی از آن واژه تغییر یافته، مثلاً یک هجا به آن اضافه یا از آن کم شده است. علت کوتاه شدن و حذف یک هجا می‌تواند «کم‌کوشی» باشد. زبان‌شناسان کم‌کوشی را «ناشی از قانون کلی صرف کمترین انرژی در گفتار می‌دانند که علت درون‌زبانی دگرگونی‌های زبان محسوب می‌شود» (باقری، ۱۳۷۵: ۲۰). همچنین، ممکن است یک هجا از واژه‌ای حذف و به جای آن، یک واژه فارسی جایگزین شده باشد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

کلمه رایج در فارسی	تلفظ فرانسوی	Français
آداپتور	آداپتاتور	adaptateur
بمباران	بمباردمان	bombardement
کافی شاپ	کافه‌تِریا	cafétéria
ماساژور	ماسور	masseur
پُرس	پُرسیون	portion

واژه‌های مرکب در فارسی با یک جزء از زبان فرانسه

این امکان وجود دارد که واژه‌های وام‌گرفته‌شده از زبان فرانسه با واژه‌های فارسی یا وام‌واژه‌هایی از زبان‌های دیگر ترکیب شوند و کلمات مرکبی به وجود آورند. این کلمات مرکب در فرانسه یا زبان دیگر معنایی ندارند و فقط در فارسی معنا و مفهوم مشخص یافته‌اند. با وجود این تغییرات، این نوع کلمات همواره جزء وام‌واژه‌ها دسته‌بندی می‌شوند.



معادل فارسی	اسم اضافه شده	Français
پست‌خانه	+ اسم فارسی خانه	Post
سنجاق کراوات	+ اسم ترکی سنجاق	cravat
کرم روز	+ اسم فارسی روز	Crème du jour
لامپ مهتابی	+ صفت فارسی مهتابی	Lampe phosphorescent
ماشین تایپ	+ اسم انگلیسی تایپ	machine à écrire
مین‌یاب	+ بن مضارع یاب	détecteur de mine

نتیجه گیری

از زمان قاجار تا اواسط پهلوی که رابطه‌ی ایران و غرب از طریق کشور فرانسه بوده است بر اثر مبادلات علمی، فرهنگی بسیاری از اصطلاحات علمی و هنری و فرهنگی از زبان فرانسه وارد زبان فارسی ایرانیان شد. به دلیل اینکه در ابتدا نهادی نبود که برای این وام‌واژه‌ها معادل یابی کند، بسیاری از این کلمات در زبان فارسی نهادینه شد و امروزه کمتر کسی است که احساس کند و یا بداند که این کلمات در اصل فارسی نیستند و از زبان فرانسه وارد فارسی شده‌اند.

اخیرا با تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی سعی زیادی شده است که اصطلاحات بیگانه علی‌الخصوص در علوم انسانی معادل سازی شود. این تلاش باعث شده است که استعمال بسیاری از این کلمات دخیل رو به زوال رفته و معادلهای فارسی آنها جایگزین شود. البته این تلاشها در برخی موارد با شکست مواجه شده است ولی اکثرا موفق بوده و امروزه کلمات فرانسوی مهجور شده‌اند.

این تلاش‌ها عمدتاً در زمینه‌های علمی و خصوصاً علوم انسانی مؤثر بوده و خواهد بود. اما در مورد اسامی اشیاء و اختراعاتی که از غرب آمده نه امکان دارد و نه در صورت معادل سازی مورد قبول اهل زبان فارسی قرار خواهد گرفت. زیرا این اشیای جدید در ابتدا در میان فارسی زبانان وجود نداشته و وقتی وارد ایران شده است با اسم خاص خودش وارد شده است.

فهرست منابع

۱. باقری، مه‌ری. تاریخ زبان فارسی. تهران، قطره (۱۳۷۵)
۲. زمردیان، رضا. فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی (همراه با ریشه هر واژه). مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (۱۳۷۳)
۳. مشیری، مه‌شید. فرهنگ واژه‌های اروپایی در فارسی. تهران: البرز. (۱۳۷۱).
۴. نوابی، داود. تاریخچه ترجمه فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تاکنون. کرمان: دانشگاه شهید باهنر. (۱۳۸۸).
۵. نواب‌زاده شفیعی، س‌پیده، مجله علم زبان، شماره ۳، پاییز و زمستان (۱۳۹۳).
6. Meillet, Antoine. (1982). Linguistique historique et linguistique générale. Genève-Paris: Slatkine- Champion
7. Encyclopædia Iranica, FRANCE LOANWORDS IN PERSIAN.



